

ویژگیهای پیامبر

• ادوارد سمنو نته فرانسوی (متولد در لیون سال ۱۸۵۶ و درگذشته ۱۹۲۶) خاورشناس و استادالسنه شرقی در دانشگاه ژنو، در کتاب (امر و اسلام و آینده آن) مینویسد:

« اما محمد خوبی بزرگ، آمیزشی نیکو، گفتاری دلنشین، نظری صائب، و گفته‌های راست داشت. صفتی که بیشتر بروی غلبه داشت نظر صائب و گفتار سریع و ایمن کامل وی به آنچه می‌پذیرفت و می‌گفت، بود.

طبیعت دینی محمد هر کاوشگر تیزبین بی‌غرضی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا که اخلاص شدید وی از آن تراوش می‌کند.

محمد (س) يك مصلح دینی بود. اعتمادی راسخ داشت. اوقیام نکرد مگر بعد از آن که پیرامون آن تفکر بسیاری نمود. هنگام دعوت بزرگش که او را بسورت یکی از درخشنده‌ترین انوار انسانیت درآورد، به سن کمال رسیده بود.

او با شرك و عبادات زشت که در میان مردم آن عصر رسوخ داشت مبارزه کرد... بسیاری از مردم «اروپا» محمد را درست نشناخته‌اند و حق او را ضایع کرده‌اند. و این نیز بدان جهت است که وی از مصلحانی است که باید مردم چگونگی زندگی را با ریزه‌کارهای آن بدانند.

محمد به این دلیل پیامبر بود

• دکتر لیتمنز امریکائی در مقاله ای که « ویلیام باسیلا » مصری آنرا در مجله «المقنطف» شماره ۴ دوره پنجم به عربی ترجمه کرده است میگوید: « محمد پیغمبر بود، و خدا به او وحی می‌فرستاد. يك بار خدا به سخنی به‌وی وحی کرد و از او مؤآخذه نمود. زیرا محمد روی خود را از مردم فقیر نابینائی برگردانید، و مردم ثروتمند متنفذی را مخاطب قرارداد (۱) این وحی همان موقع در همه جا پخش شد.

۱ - اشاره به سوره عبس است که در تفسیر آن گفتگو بسیار است

اگر محمد چنان بود که بدخواهان مسیحی درباره او میگویند، آن وحی نمی یابد وجود یابد، و از جمله تعدادی که بر آن گذشته آنرا فراموش نمیکرد.

بزرگوارى محمد (ص)

« لئىلى ايتگنلن كوپرلد شاعره انگابى در كتاب اخلاقى صفحه ۶۶ مینویسد: این مقام است که محمد قدرت داشت اقدام به معجزات و کارهای مجرب المنول کند. زیرا او توانست ملت عرب را با همه معضلی که به پرستش متعصبان داشتند، به قبول ایمان بخدای یگانه راهمائی کند. محمد خوش حال بود و خدا را بسیار می گفت که توفیق یافت اذاعت عرب مرده جدیدی بشمارد و آنها را اذاعت چهل به او برپایان دهدی کند.

با این وصف محمد سرور جزیره العرب، و زعم قبول ایشان بود. او در نامه ریاست برقبول یعنی نصیبید و در فکر استعمار جزیره العرب بود. بلکه بهمان وضع همبستگی خود باقی بود و به اینکه پیغمبر خدا و خدمتگذار اسلام باشد اکتفا نمی کرد. او خاندانش را شخصاً تکلیف می کرد، و کتف خود را به دست خود اصلاح می نمود. او مردی بزرگوار و نیکوکار بود. هیچ مستمندی یا گرفتاری به او روی نداشت، جز اینکه آنچه داشت به او بیفتل می کرد. اوفقاً برای خدا و انسانیت کار می کرد!

اخلاق پسندیده محمد (ص)

« دون بايزون آرزائيش . (۱۸۳۹-۱۹۰۰) در کتاب و فرست را غنیمت دان و ترجمه عبدالعظیم محمد زبیدی مینویسد: و اگر محمد خود را از همه همصورتش برتر می دانسته و ادراجاه عوس و نوح بر همه ترجیح داشته، و خدا او را از همه بزرگان برتر گزیده است. جای دوری نرفته است، زیرا نورحان اتفاق دارند که محمد بن عبدالله در میان قوم خود به داشتن اخلاق پسندیده همچون راستی در گفتار و امانت داری وجود و کرم و صفات برجسته و فروتنی، ممتاز بوده است. تا جائیکه الهالی مکه (ورا با مین) می خواندند، بطوریکه بر اثر سست و توفیق که به وی و به امانت او داشتند، امانت های خویش را بروی می سپردند.

محمد نوشیمی های سکر آور می نوشید، و در این باره چندین مقاله مقابل آنها حضرمی یافت، او از ستم بیخ خود گذران می کرد، و چون با شریحه (باوی نروتیند قریش) ازدواج کرد با ثروت او به نتایج ابراهیمت.

چراغ روشن برای نسل های بشر

« جان دیشو ابر لندی - جاورناس معروف متوفی در سال ۱۹۰۶ در کتاب و عرب و عادات آنها مینویسد: و محمد بعد از مهاجرت به مدینه خود در حدیث اشرف از نیافتن بود که

در قیام به وظائفی که خدا بهنده او گذاشته بود و دعوت دینش، به جهاد و کسب پیروزی پرداخت و صاحب دولت و ملت گردید، پیوسته کارش بالا گرفت، و اسلام بصورت کنونی درآمد. محمد قوانینی برای وضع دینی و سیاسی و اجتماعی ملت آورد.

این پایه های اساسی نیز چراغی روشن برای نسل های آینده گردید. سپس دانشمندان و فقه های اسلامی در بر توفیق آن، راه او را دنبال کردند و بدینگونه مذهب اسلامی در جهان انتشار یافت.

محمد امین

« لاکس مورخ شهر فرانسوی متولد در شهر «یردو» بسال ۱۸۴۷ و در گذشته ۱۹۰۰ در مقاله ای که مجله «الهلال» مصری شماره ۸ سال سوم منتشر ساخت مینویسد: و محمد از زمان خردسالی به صداقت و راستگویی مشهور بود تا جائیکه او را «ابن» خواندند. او پیوسته برای بهررفت دین و ملتش (عرب) کوشش داشت تا رحلت کرد، و هنوز وفات نیافته بود که دینی تأسیس کرد و دولتی را پایه گزائی نمود

بدینگونه محمد پیامبر شد

« ماکس مایر هوف روسی - (۱۸۹۵-۱۸۸۷) در کتاب جهان اسلام مینویسد: محمد در سال ۶۱۰ میلادی بسیار فخر می کرد و میل به نهنگائی داشت. روی به خارج شهر می نهاد و در کوه حیرا از دریک حکه خلوت می گزید؛ تا اینکه روزی فرشته الهی «جبرئیل» در برابرش تخطی کرد و از وی خواست که نام خدا را به زبان آورد (اقراً باسم ربك الذی خلق) بمنی آیات اوائل پیوره نمود و ششم قلمی قرآن را فرا گیرد.

این سخنان بصورت وحی بروی نازل گردید. محمد با وقوع آن به همسرش خدیجه ابلاط داد. سپس بیگ وحی برای دومین بار در حالیکه او در لباس خواب بود نازل شد و آیه (یا ایها المدثر) تم فایز و دریک فکس) را بود گوشزد کرد. در آن وقت محمد دانست که خدا او را بمقتوان پیامبر خویش مأمور ساخته که افتقاد چندید را به مردم بشازت دهد و با زبان فصیح عربی، آنها را به پرستش خدای یگانه فراخواند.

مرد خود ساخته

« استانی لین پل امریکائی - متولد در «لاکاسا» بسال ۱۸۸۰ در کتاب گفتار های محمد مینویسد: محمد مردی مهربان و رؤف بود، و تعهدات بیماران می رفت، و اربیتو ایازت سر کشی می نمود، و درخواست بررگان را اجابت می کرد. او با دست خویش لباسش را و سلمه می زد، بدون نك او به بهری مقدس بوده است. او از بیستی و تنهیدستی آغاز کرد تا آنکه بصورت فاتحی بزرگ درآمد.